دست آخر

وزیر آوانگارد

نسیم عباسی . کارشناس ارشد مدیریت رسانه

وزیر جوان در کابینه پیسا! این اولین تناقضی بود که محمدجواد آذری‌جهرمی به محض دراختیارگرفتن عنان مدیریت وزارت ارتباطات و آن هم از جانب شد؛ تنها وزیر جمهوری اسلامی ایران که پس از انقلاب به دنیا آمده است. حالا، هم باید نماد کارآمدی نسل جوان در مدیریت کلان کشور باشد و هم وفادار به اصول و چارچوب‌های دولتی که اگرچه به چپ یا میانه چپ متهم است؛ اما با هر منطق و معیاری او را به وزارت گمارده است.

این تناقض آنجا آشکارتر می‌شود که بدانیم موفقیت آذری‌جهرمی در وزارت ارتباطات باعث خواهد شد این یاور را که مدیریت کمه‌کار کشور حلا باید جای خود را به نیروهای جوان‌تر دادند و به بازنشستگی رضایت دهد، تقویت کند و همین می‌تواند او را به چالشی در درون دولت و حتی حاکمیت سوق دهد.

تحلیل رفتار مدیریتی وزیر جوان نیز نشان می‌دهد که وجود چنین چالشی همواره برایش دردسرساز بوده است. او هرگاه به الزامات روبکرد سنتی مدیریت کشور تن در داده است، با مخالفت قشر وسیعی از جامعه که اگر آنها را جوانان و نسل نو تشکیل داده‌اند مواجه شده و هرگاه خواسته به‌عنوان نماینده هوجیت‌های جوان تکنوکراتش به ایفای نقش بپردازد، با مخالفت‌های فراوانی از جانب افراد و نهادهای حاکمیتی مواجه شده است.

محمدجواد آذری‌جهرمی پیش‌قراول نسلی جنجالی در مدیریت کشور است؛ نسلی که آن‌قدر قدرتمند، باهوش و تأثیرگذار بود که بتواند واژه‌ای مانند «دهه‌شصتی» را به ادبیات محاوره‌ای و حتی سیاسی و اجتماعی ایران وارد کند؛ نسلی که اولین خاطرات زندگی‌اش را بمباران و وضعیت قرمز تصمیم‌گیری‌ها و مشکلات چهار دهه آخر را تجربه کرده و حالا به سنی رسیده است که می‌تواند امیدوار باشد، خودش جامعه‌اش را مهندسی کند.

یکی دیگر از تناقض‌هایی که آذری‌جهرمی در وزارتخانه خود با آن مواجه است، زمینه کاری این وزارتخانه؛ یعنی ارتباطات است که این روزها یکی از پرمناقشه‌ترین حوزه‌ها در کشور ایران است. وزارتخانه‌ای که برای تسهیل و تعمیق ارتباطات به وجود آمده است، در مقطعی از نظر قانونی ملزم می‌شود که دکمه فیلتر را فشار دهد و این می‌تواند برای وزیر جوانی که همانند سایر هم‌سن‌وسال‌هایش شیفته امکانات و آزادی‌های فضای مجازی است بسیار سنگین و پرهزینه باشد.

واقعیت این است که حوزه ارتباطات به دلایل متعددی از جمله نوپابودن، متغیربودن، فنی و تخصصی‌بودن، فراگیر و تأثیرگذاربودن و بسیاری عوامل دیگر، از حوزه‌هایی است که به‌ویژه در چندسال گذشته همواره محل نزاع رویکردهای فکری متفاوت در ایران بوده. وجود مراکز تحقیقات ساختمان و مسکن، آتش‌نشانی و سایر دستگاه‌های نظارتی که در این اتفاقات بررسی‌های لازم را انجام می‌دهند، دریافت کند. فکر می‌کنم برای تکمیل این گزارش و تهیه گزارشی تخصصی از تخلفات حوزه ساخت‌وساز که عموما حاصل فساد یا تبانی با رقابتی ناسالم است، می‌توانید با مراجعه به این سازمان‌ها گزارش تهیه کنید.

■ وزارت صنعت، معدن و تجارت از ادغام دو وزارتخانه شکل گرفت و در حال حاضر شامل سه بخش صنعت، معدن و تجارت است. به نظر شما، در حال حاضر در کدام یک از بخش‌های این وزارتخانه امکان بروز فساد بیشتر است؟

یاسرجادی به این سؤال سخت است. من باید تعدادی سند و مدرک داشته باشم که روی آن قضاوت کنم. اما آنچه می‌توانم به شما بگویم دهن این است در هر سه این حوزه‌ها به تناسب میزان رجوعی که فعال اقتصادی باید به یک سازمان داشته باشد یا اهمیت و ارزش امنا و مجوزی که باید اخذ کند، امکان فساد وجود دارد. این در همه سازمان‌ها یکسان نیست. برای مثال، حال گذشته در زمان لغو تبدیل سفارش که این مسئله برای استفاده از قوه دولتی اهمیت پیدا کرده بود، متأسفانه شاهد تخلفاتی بودیم. در این بخش گزارش‌های متعددی به ما می‌رسید که این پیوسته امر با فساد است. برخی اعضای اتاق تمامی می‌گرفتند که ما برای ثبت سفارش مراجعه کنیم به خیلی افراد آزاداند با دستگاه پیوز سار در خیابان ایستاده‌اند و می‌گویند قلل مبلغی را رکارت بکشید و برگه به ما بدهید؛ ما بالا می‌رویم امضاهای مربوطه را می‌گیریم و ۵۰ درصد وام از ما دمبرافک خواهیم کرد.

■ معتقدید فساد در برخی مقاطع به دلیل تغییر بکباره قوانین، در یکی از بخش‌های وزارت صنعت شکوفا می‌شود؟

هر چقدر که ارزش امضا و مجوز از نظر مالی و مادی بیشتر شود، استعداد بروز فساد در رابطه با آن موضوع خاص اهمیت و افزایش پیدا می‌کند. مثلا همین موضوع ثبت سفارش، یک پل قلق تکتابی ارزی که آن معنا وجود نداشت، اخذ اسناد ثبت سفارش مشکلی نداشت. هرگسی می‌توانست ثبت سفارش انجام دهد. در زمانی که وارداتی وجود صورتی مشق، شد؛ دیدید بنچرای برای ثبت سفارش باز کردند. چه فسادی در آن بخش رخ داد. هرجا مصنوعت و محدودیت باشد و پشت آن یک سود غیرعادی، یعنی سودی بیش از فعالیت و تجارت معمول وجود داشته باشد، حتما تبانی دو طرف، چه دارنده حق امضا و امتیاز و چه درخواست‌کننده آن امتیاز، انجام معامله و تعاملات فساد‌برانگیز و غیرقانونی رخ خواهد داد. همان طور که اشاره کردم، موضوع ثبت سفارش یکی از معضل‌هایی است که تابستان سال قبل به اوج خود رسید. وزارت صمت سعی کرد تغییراتی انجام و مقداری تمرکززدایی انجام دهد و کارها را به استان‌ها واگذار کند. برخی استان‌ها شاید ساده‌تر عمل می‌کردند. برخی این کار را نمی‌کردند اما کمکان مشاهده فساد وجود داشت. هرچقدر که کالاهای متمول ارز چهارهزار ۲۰۰تومانی کمتر شد، زمینه بروز فساد کاهش یافت. چون این ارز به تعدادی کالای مشخص محدود شد و معمولا موقعی که دایره کنترل روی موضوعات محدود باشد، امکان جلوگیری از فساد بیشتر می‌شود. مشخصا در چهارماهی که هر کالایی با ارز چهارهزار ۲۰۰تومانی می‌توانست وارد شود، هر مراجعه‌کننده‌ای می‌توانست بالقوه مراجعه‌کننده‌ای باشد که می‌تواند کارش را سریع‌تر انجام دهد یا شواهد را دور بزند و سرعت عملش بیشتر شود. همین اتفاق انداده می‌افتاد و دامنه آن به بانک‌ها هم می‌رسید. با توجه به اینکه میزان ثبت سفارش به‌سرعت رفت و صف ثبت بانک‌ها به اوج خود رسید، در آنجا هم کسی که می‌خواست پول خود را دور بزند، با تعاملات فساد‌آمیز با برخی از این بانک‌ها وارد عمل شد.

■ نسخه واحد همه فصاف اقتصادی برای مبارزه با فساد.

آنچه مسلم است، فساد معبری برای دورزدن قوانین و مقررات و همین‌طور مخدوش‌کردن رقابت سالم و آزاد در یک کشور است. طبیعتا اتفاق اولی که به‌واسطه فساد رخ می‌دهد، این است در کشوری که فساد وجود دارد یا فساد بالاست (در همه کشورها کم‌وبیش فساد وجود دارد)، فعالان اقتصادی به جای اینکه وجه همت خود را بر مدیریت، نوآوری، ابتکار و بهره‌وری و سازوکارهایی که بتواند آنها را در جریان رقابت حفظ کند و نگه‌دارد بگذارند، تلاش می‌کنند میانبری بزنند و از این طریق از رقبای خود جلو بیفتند تا فرصتی به‌دست بیاورند و منفعتی کسب کنند. در آن سوی هم طبیعتا فعالان و کارکنان دولتی و متصدیان امر به‌جای اینکه از منافع ملی مراقبت کنند و به عبارتی، پاسدار درآمدهای دولت و منافع قانونی دولت باشند، روی آنها با کسانی که دنبال انتفاع ویژه هستند، معامله می‌کنند. به این ترتیب، بخشی از درآمدهای دولت -خواه مالیات یا عوارض باشد یا حقوق ناشی از مجوزها- فدا خواهد شد. مثال مشخص برای این مسئله زمانی است که متصدیان امر پروژه‌های زیربنایی یا ساختمانی را به‌جای اینکه به شرکت یا افرادی بدهند که با آن استاندارد و کیفیت لازم محاسبات را انجام دهند و قیمت را اعلام کنند، به شرکت‌هایی واگذار می‌کنند که با از عهده کار بر نمی‌آیند یا از کیفیت کار می‌زنند که بتوانند منافع خود را بیشتر کنند و بخشی از منافع را هم به متصدی و مسئول توزیع پروژه دهند.

■ می‌توانید برای شرکت‌هایی که از کیفیت کار می‌زنند و سعی می‌کنند با پول کمتر پروژه اجرا کنند، مثال‌هایی ذکر کنید؟

در زمان زلزله کرمانشاه شاهد بودیم بسیاری از پروژه‌هایی که آسیب دیدند و فروریختند و از بین رفتند، مربوط به سازندگان، پیمانکاران یا نظارتی بود که در انجام کار خود کوتاهی‌هایی داشتند. این ساختمان‌ها بر اساس استانداردها و ضوابط، قاعدتا باید برای زلزله بیش از هفت ریشتر مقاومت داشته باشد اما شاهد بودیم این ساختمان‌ها با زلزله ۶.۳ریشتری از بین رفته است. مواردی از این دست در جاهای دیگر هم قابل مشاهده است. در مواردی که اتوبانی در کشور ساخته می‌شود و هنوز یک سال یا دو سال از ساخت اتوبان نگذشته است، این اتوبان شروع به فرونشست می‌کند زیرا به فونداسیون یا زیرساخت پروژه خوب عمل نکرده‌اند. یا آسفالت شروع به ازبین‌رفتن و خودرده‌شدن می‌کند زیرا به مسئله کیفیت در آسفالت توجه نشده است یا ساختمان‌هایی که در آنها آتش‌سوزی رخ می‌دهد و خسارت عظیمی را به بار می‌آورد، بعد متوجه می‌شویم پله فرار را رعایت نکرده‌اند یا از مصالح ضد حریق در جاهایی استفاده نکرده‌اند و موضوعاتی از این دست مثال‌هایی برای توجه‌نکردن به کیفیت است. این مسائل کم نیستند. شاید حضور ذهن من اجازه نمی‌دهد اما البومی از اتفاقاتی که رخ داده را می‌توانید از مراجع ذی‌ربط مثل مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، آتش‌نشانی و سایر دستگاه‌های نظارتی که در این اتفاقات بررسی‌های لازم را انجام می‌دهند، دریافت کنید. فکر می‌کنم برای تکمیل این گزارش و تهیه گزارشی تخصصی از تخلفات حوزه ساخت‌وساز که عموما حاصل فساد یا تبانی با رقابتی ناسالم است، می‌توانید با مراجعه به این سازمان‌ها گزارش تهیه کنید.

■ وزارت صنعت، معدن و تجارت از ادغام دو وزارتخانه شکل گرفت و در حال حاضر شامل سه بخش صنعت، معدن و تجارت است. به نظر شما، در حال حاضر در کدام یک از بخش‌های این وزارتخانه امکان بروز فساد بیشتر است؟

وزیر ارتباطات دولت دوازدهم تنها سنی نداده است که برخلاف اسلاف سنتی‌اش زیستن در دنیای نوین ارتباطات را می‌شناسد و به همین خاطر تلاش می‌کند تا بتواند برای سیاستی خود را داشته باشد. اما تا حدود زیادی این موفق است این برند را بسازد و اگرچه در مقاطعی تنها توانسته با ضبط گفتاری و نوشتاری مانند ابوطالب یاسر و تعلیق و کنایه، محدودیت‌های خود را به جامعه منعکس کند، اما درمجموع می‌توان او را یکی از معدود مسئولان دانست که با حمیت برندسازی برای خود را می‌نشاند و تلاش می‌کند تا از این طریق اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی را که این روزها برای بیشتر مسئولان کشور به نقطه صفر رسیده است برای خود حفظ کرده و آن را افزایش دهد.

او به خوبی اهمیت ایجاد تمایز میان رفتار خود با الگوهای سنتی رفتار سیاسیون ایرانی را می‌داند و تلاش می‌کند در بزنگاه‌هایی این تفاوت و تمایز را نشان دهد. نشستن در آخرین ردیف صندلی‌های یک سالن سخنرانی در حالی که سایر مجریان و مسئولان در ردیف دوم یا دهم توهین به خود تلقی می‌کنند، پوشیدن تی‌شرت آستین‌کوتاه و شلوار جین، توییت‌ها و پست‌های اینستاگرامی خاص و یادآوردن به نظرات مخاطبان، از مصادیق بروزدهنده الگوهای رفتار و فرهنگ سنتی سیاسیون کشور توسط آذری‌جهرمی است.

آذری‌جهرمی برخلاف موفقیت‌هایی که در برندسازی داشته، در زمینه کفه‌سازی‌ها اما ضعیف عمل کرده است. او با وجود همه تمایزهایی که او را اقداماتی که در وزارتخانه ارتباطات انجام داده است، هنوز نتوانسته وارد حرکت مطالبه‌گرانه شود. اهمیت کفه‌سازی‌ها برای این شخصیت سیاسی زمانی آشکار می‌شود که بدانیم او آینده سیاسی بسار طولانی‌ای خواهد داشت که احتمالا مطرح‌شدن به‌عنوان شخصیتی تأثیرگذار بر سپهر سیاست ایران در افق آینده دیده می‌شود.

اگرچه برخی رفتار تکانوی به صورت قطعی در مورد برنامه‌اش برای جمع انتخاباتی اظهارنظر نکرده است، اما تبیه‌شناسی و تحلیل رفتار او این گمانه را در آینده سیاسی ایران بسیار قوت می‌بخشد که شاید چنین شخصیتی در آینده دور یا نزدیک بخواهد در مقامی بالاتر از وزیر هم فعالیت کند که در این صورت شاید می‌بایست از مراجع برند عبور کرده و با وارددشدن به مرحله مطرح‌کردن آرمان بزرگ، گفتمان خود را به جامعه معرفی کند.

شاید مبارزه با فساد در درون وزارتخانه ارتباطات و پیشگام‌شدن او در معرفی دریافت‌کنندگان ارز دولتی می‌توانست نقطه شروعی باشد بر مطرح‌کردن این کفتمان. اما این اقدام او و تعدادی دیگر از کنش‌ها و عملکردهایش هنوز به میزانی متقاعدکننده نشده‌اند که بتوان ماه گفتمان در آن نهاد.

به‌هرروی آذری‌جهرمی اولین نشانه از ظهور نسل جدیدی در مدیریت عالی کشور است که از این پس بیشتر شاهد حضورش در ساختار قدرت خواهیم بود؛ نسلی که به هر شیوه‌ای که عمل کند، قطعا یکی از مهمترین وجوه تمایزش با رقبای سابق ماخترشکی خواهد بود و جامعه ایرانی باید خود را برای تجربه‌کردن مدیریت و ایفای نقش این نسل آماده کند.

در گفت‌وگو با نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران مطرح شد

کشف تخلفات از طریق شنود

عکس: عباس کوثری، شرق

لیلا مرگن

الکترونیکی‌شدن فرایندهاست. در همه مثال‌هایی که زدید، با وجود سامانه‌های الکترونیکی، فساد رخ داده است. ثبت سفارش در سامانه الکترونیک انجام می‌شود. در باک از سامانه الکترونیک استفاده و کار در بستری الکترونیک انجام می‌شود. در ثبت سفارش خودرو، لاستیک خودرو و کالاهای اساسی و خوراک دام و طیور طبق اعلام مراجع ذی‌ربط شاهد فساد بودیم و همه این موارد در بستری الکترونیک پیگیری می‌شوند. اگر سامانه‌های الکترونیک هم نمی‌توانند جلوی فساد را بگیرند، پس با چه چیزی می‌توان جلوی آن را گرفت؟

سامانه‌ها ما به آن معنا الکترونیکی نشده، بلکه صرفا بارگذاری اطلاعات و ورود داده همچنین ذخیره‌سازی داده الکترونیکی شده است. کماکان فردی پشت کامپیوتر یا فردی که رئیس بخش است یا صاحب امضاست، اطلاعات را تایید می‌کند. کماکان کارها دستی انجام می‌شود. می‌تواند چهار درخواست ثبت سفارش وارد کامپیوتر یا کارتابل الکترونیک یک کارشناس شود و این فرد به دلایلی، یکی را تایید کند و سه تای دیگر را رد کند. یعنی کماکان تصمیم‌گیرنده آن برنامه کامپیوتری یا نرم‌افزار نیست. تصمیم‌گیرنده شخص است که کارتابل کاغذی و خودکار و کاغذش به رایانه و کیبورد تبدیل شده است. به نظر من، زمانی می‌توانیم از کاهش فساد به واسطه الکترونیکی‌شدن فرایندها اطمینان یابیم که اثر تصمیم‌گیری انسانی در فرایندها به حداقل برسد و امکان ارتباط بین دو طرف متصدی و مراجعه‌کننده به حداقل یا صفر برسد. اگر این دو عامل هر دو به صفر برسد، زمینه بروز فساد به حداقل می‌رسد. البته می‌دانیم برخی مواقع نرم‌افزارها را هم حک می‌کنند که این مسئله از جمله جرائم رایانه‌ای است و می‌تواند فساداتیگز باشد اما این جدالی است که به قوی‌ترشدن لایه‌های امنیتی نرم‌افزارها منجر می‌شود و از سوی دیگر، هکرها تلاش می‌کنند به واسطه ارزش افزوده‌ای که یک نرم‌افزار دارد، از مهارت‌های خود بیشتر استفاده یا مهارت‌های خود را در هک‌کردن آن تقویت کنند. این داستان ممکن است موضوع بحث ما نباشد اما این فرایندها مشخصا مثل ثبت سفارشی که اشاره کردید یا تخصیص ارز و حتی فرایندهای گمرکی و سامانه نوین گمرکی که در حال حاضر راه‌اندازی شده است، چون پشتش متصدی نشسته است و این متصدی به نوعی قابل ارتباط‌گرفتن است. دلال‌هایی این وسط قرار می‌گیرند و می‌بینند متقاضی این ثبت سفارش، چه کسی است. آنها می‌توانند تعاملات فساداتیگز را شکل دهند.

■ فکر می‌کنید چرا سامانه‌ای طراحی نمی‌کنیم که تعاملات فساد‌برانگیز در آن را به حداقل برسانیم. مشکل چیست؟ سواد نداریم یا توانایی انجام این کار وجود ندارد؟

دلایل متعددی دارد. اول من فکر می‌کنم که هنوز سازوکارها و گردش کارهای دولتی ما اجازه نمی‌دهد متصدی یا عامل انسانی را به‌طور کامل حذف کنیم.

■ چرا اجازه نمی‌دهد؟

چون تمایل به حفظ وضعیت برای این کار انجام نشده است. دانش لازم در نیروهای ارشد سازمانی وجود نداره. نگرانی از این بابت وجود دارد که اگر همه کار را به بارانه بسپارند، کار از کنترلشان خارج شود. یا حتی خودشان بی‌کار شوند. طبیعتا هرچقدر دولت ما الکترونیکی‌تر شود، نیروی انسانی و پرسنلی که دولت دارد، بیشتر مازاد خواهند شد. اینها اصطکاک‌هایی هستند که ایجاد می‌شود یا موانعی بر سر راه سرعت‌پیداکردن این روند است. نکته دومی که وجود دارد این است که اصولا کمتر اقتصاد امروزی‌ای را می‌توانید پیدا کنید که موضوعاتی از این دست که محل بحث امروزه ماست، در آن وجود نداشته باشد. در اکثر اقتصادها هر کسی می‌خواهد وارداتی انجام دهد، فرایندی که می‌کند و این‌طور نیست که یک فرایند را می‌طی کنم، موضوع شود و شلم طی کنید و موقوع نشوید. محدودیتی هم وجود ندارد. بنابراین نیازی به تعاملات فساد‌برانگیز نیست. فرد مجوزش را می‌گیرد و واردات را انجام می‌دهد. ارز از بانک خریداری و کالایش را وارد می‌کند. ارز را به قیمت حاشیه بازار خریداری می‌کند بنابراین رانتی در آن وجود ندارد. هر جایی که پشت یک مجوز رانت باشد، طبیعتا اشتیاق برای استفاده از رانت و اشتباق برای بروز فساد بیشتر می‌شود. ما اندازه و تکثر وجود رانت و پشت مجوزها و امضاهایمان زیاد است. طبیعتا در شرایطی مثل شرایط امروز که محدودیت اجرایی داریم، دولت ناچار است عرضه و تقاضا را با هم تنظیم کند و میزان تقاضا را در حد میزان کمی از کالا که شود، وارد کاهش دهد. این کاهش و محدودیت، طبیعتا شرایطی را به‌وجود می‌آورد که دولت دست به انتخاب بزند. از ۱۰۰ تقاضا، باید یکی را انتخاب کند. مکانیسم انتخاب این تقاضا چون از قبل هم طراحی نشده است با سلایق مختلف و به موقع‌های مختلف انجام می‌شود. خیلی از این روش‌ها چون سازوکار نظارتی و شفافیت ندارد. طبیعتا امکان بروز فساد در آنها وجود دارد. فرض کنید این امکان وجود داشت که به محض اینکه هر فردی ثبت سفارش می‌کرد، در ارتباط با کالاها و آنهایی که ثبت سفارش می‌کنند و موقوع نمی‌شوند، تمام اینها در سامانه و شاخص خودکار یا در سایتی قرار بگیرد و مثلا در هر روز یک کالا شود و کالای نامرغوب خود را با قیمت چندبرابری بفروشد... تردید نکنید. هرجایی محدودیتی به وجود آید، پشت آن استعداد فساد وجود خواهد داشت و احتمال بروز فساد بیشتر می‌شود. به‌ویژه در کشورهایی مثل ما که زمینه اجتماعی‌مان حداقل است و فساد گسترده داشته، قبح حداقل ریخته و الودگی سازمان‌ها و بخش خصوصی به فساد ارایش پیدا کرده است. در این شرایط آن موانع اخلاقی و وجدانی هم از بین رفته است. موانعی مثل وظن‌ومدنی، نوع‌دوستی، کشورودوستی و مصلحتی نشسته است و این متصدی به نوعی قابل ارتباط‌گرفتن است. دلال‌هایی این وسط قرار می‌گیرند و می‌بینند متقاضی این ثبت سفارش، چه کسی است. آنها می‌توانند تعاملات فساداتیگز را شکل دهند.

■ فکر می‌کنید چرا سامانه‌ای طراحی نمی‌کنیم که تعاملات فساد‌برانگیز در آن را به حداقل برسانیم. مشکل چیست؟ سواد نداریم یا توانایی انجام این کار وجود ندارد؟

دلایل متعددی دارد. اول من فکر می‌کنم که هنوز سازوکارها و گردش کارهای دولتی ما اجازه نمی‌دهد متصدی یا عامل انسانی را به‌طور کامل حذف کنیم.

■ چرا اجازه نمی‌دهد؟

چون تمایل به حفظ وضعیت برای این کار انجام نشده است. دانش لازم در نیروهای ارشد سازمانی وجود نداره. نگرانی از این بابت وجود دارد که اگر همه کار را به بارانه بسپارند، کار از کنترلشان خارج شود. یا حتی خودشان بی‌کار شوند. طبیعتا هرچقدر دولت ما الکترونیکی‌تر شود، نیروی انسانی و پرسنلی که دولت دارد، بیشتر مازاد خواهند شد. اینها اصطکاک‌هایی هستند که ایجاد می‌شود یا موانعی بر سر راه سرعت‌پیداکردن این روند است. نکته دومی که وجود دارد این است که اصولا کمتر اقتصاد امروزی‌ای را می‌توانید پیدا کنید که موضوعاتی از این دست که محل بحث امروزه ماست، در آن وجود نداشته باشد. در اکثر اقتصادها هر کسی می‌خواهد وارداتی انجام دهد، فرایندی که می‌کند و این‌طور نیست که یک فرایند را می‌طی کنم، موضوع شود و شلم طی کنید و موقوع نشوید. محدودیتی هم وجود ندارد. بنابراین نیازی به تعاملات فساد‌برانگیز نیست. فرد مجوزش را می‌گیرد و واردات را انجام می‌دهد. ارز از بانک خریداری و کالایش را وارد می‌کند. ارز را به قیمت حاشیه بازار خریداری می‌کند بنابراین رانتی در آن وجود ندارد. هر جایی که پشت یک مجوز رانت باشد، طبیعتا اشتیاق برای استفاده از رانت و اشتیاق برای بروز فساد بیشتر می‌شود. ما اندازه و تکثر وجود رانت و پشت مجوزها و امضاهایمان زیاد است. طبیعتا در شرایطی مثل شرایط امروز که محدودیت اجرایی داریم، دولت ناچار است عرضه و تقاضا را با هم تنظیم کند و میزان تقاضا را در حد میزان کمی از کالا که شود، وارد کاهش دهد. این کاهش و محدودیت، طبیعتا شرایطی را به‌وجود می‌آورد که دولت دست به انتخاب بزند. از ۱۰۰ تقاضا، باید یکی را انتخاب کند. مکانیسم انتخاب این تقاضا چون از قبل هم طراحی نشده است با سلایق مختلف و به موقع‌های مختلف انجام می‌شود. خیلی از این روش‌ها چون سازوکار نظارتی و شفافیت ندارد. طبیعتا امکان بروز فساد در آنها وجود دارد. فرض کنید این امکان وجود داشت که به محض اینکه هر فردی ثبت سفارش می‌کرد، در ارتباط با کالاها و آنهایی که ثبت سفارش می‌کنند و موقوع نمی‌شوند، تمام اینها در سامانه و شاخص خودکار یا در سایتی قرار بگیرد و مثلا در هر روز یک کالا شود و کالای نامرغوب خود را با قیمت چندبرابری بفروشد... تردید نکنید. هرجایی محدودیتی به وجود آید، پشت آن استعداد فساد وجود خواهد داشت و احتمال بروز فساد بیشتر می‌شود. به‌ویژه در کشورهایی مثل ما که زمینه اجتماعی‌مان حداقل است و فساد گسترده داشته، قبح حداقل ریخته و الودگی سازمان‌ها و بخش خصوصی به فساد ارایش پیدا کرده است. در این شرایط آن موانع اخلاقی و وجدانی هم از بین رفته است. موانعی مثل وظن‌ومدنی، نوع‌دوستی، کشورودوستی و مصلحتی نشسته است و این متصدی به نوعی قابل ارتباط‌گرفتن است. دلال‌هایی این وسط قرار می‌گیرند و می‌بینند متقاضی این ثبت سفارش، چه کسی است. آنها می‌توانند تعاملات فساداتیگز را شکل دهند.

■ اعمال ممنوعیت در واردات چقدر در سدسازی صوری در کمرگ تاثیر می‌کند؟ آیا می‌توانید برآورد یا تخمینی وجود دارد؟

ممنوعیت‌ها تحقیقا باعث بروز فساد می‌شود. تخمین‌زدن این مسئله خیلی کار مشکلی است. سندسازی اگر اطلاعاتش بیرون می‌آمد که متخلف دستگیر می‌شد. این را مثال می‌زنم و واقعا عددی نداشتم تا در این لیاقه ارائه عدد و این عدد مبنا نیست اما شاید از ۱۰۰ مورد تخلف در این زمینه، ممکن است یک کشف خوب زیرا متصدیان در کانالی است که افراد از آن متنفع می‌شوند. مگر اینکه به‌صورت تصادفی، دستگاه نظارتی که آن هم باکدست باشد، تخلف را کشف کند. متأسفانه امروز ما به بعضی از دستگاه‌های نظارتی هم نمی‌توانیم مطمئن باشیم. این را به نقل از خودم نگویی. نماینده سابق مجلس و رئیس دیده‌بان نظارتی می‌گوید. ایشان می‌گوید به نظر من کشور ما در وضعیت فساد سیستماتیک است زیرا فساد به دستگاه‌های نظارتی هم سرایت کرده است. آنها که دیده‌بان شفافیت هستند یا مستدات مختلف متوجه شدند که دستگاه‌های نظارتی ما هم آلوده هستند. پس چه کسی قرار است کنترل کند و اصلا چه فساد را کشف و با متخلف برخورد کند. بنابراین تحت محدودیت واردات زمینه ایجاد رانت فساد را در کمرگ بیشتر می‌کند و این اتفاق بیش‌تر هم افتاده است.

■ در کمرگ مسئله دیگری که خیلی محل بحث است. این است که کالاهای خوشه‌ای در این مجموعه اعدا نمی‌شود. عده‌ای معتقدند در زمان عرضه کالاهای خوشه‌ای به بازار، تبانی اتفاق می‌افتد. این موضوع صحت دارد؟

می‌تواند اتفاق رخ دهد. من نمی‌دانم این مسئله صحت دارد یا نه. من باید خبر موثقی داشته باشم که بگویم صحت دارد. اما برخی مسائل وجود دارد. این معامله کننده باشد است. یک فرد می‌تواند کالای خوشه‌ای را به قیمت هزار ریال به خریدار اول به قیمت ۹۰۰ ریال به خریدار دوم بفروشد. همین‌که بتواند این مسئله را طوری مدیریت کند که کالای خوشه‌ای به خریدار مورد نظر و مورد معامله -که تبانی فساداتیگز را دارد- برسد. می‌تواند فساد رخ دهد. حتی برخی موارد در گذشته- به نقل از مدیران دولتی به‌صورت که مدتی این باب شنیده بود که شخصا کالایی را از یک انبار وارد می‌کردند که کالای خوشه‌ای وجود بود. بعد خطاب جعلی توخیص تخریص کالایی کرفته می‌شد. کالا به سازمان اموال منتقل و تحویل و به کالای موقوه تبدیل می‌شد تا در نهایت به حراج گذاشته شود. در فرایند حراج همان وارددننده کالا خوشه‌ای خود را خریداری می‌کرد.

■ با این شرح کالا برای وارددننده کرن تمام نمی‌شود؟ چرا باید چنین فرایندی را طی کند؟

برای اینکه آن کالا واردات‌شان ممنوع بوده. با تبیین عمدا ممنوعیت را این‌گونه نور زده است. با یک خاطره جالبی را یکی از معاونان گمرک تعریف می‌کرد. می‌گفت زمانی تعارف واردات کفش بالا بود. یا یکباره دوسه فردی دو کانتینر کفش وارد کرده و برای ترخیص کالا مراجعه نکرده بود. با اتمام مدت حضور کالا در گمرک محموله را به سازمان اموال تبعلیکی برای طی تشریفات به حراج گذاشتند. موقعی که این کفش‌ها را ارزیابی برای قیمت‌گذاری بازرسی کرده بود، دیده بود که کل محموله فقط یک لنگه است. یعنی وارددننده فقط پای چپ کفش‌ها را وارد کرده بود. به این ترتیب هیچ‌کس حاضر نبود این محموله را بخرد و بعد خود فرد اقدام به خرید محموله کرده بود. پای راست محموله را هم قاچاقچی‌ها آورده بودند و پای چپ را هم از این طریق وارد کرده بود. اگر فساد در کشوری سازمان‌یافته نبود، معنز و تفکر پشت فساد هم پیچیده‌تر می‌شود. افراد مدام فکر می‌کنند که چطور بتوانند این محدودیت‌ها را دور بزنند. تردید نکنید زمانی که تعرفه بالاست، در کمرگ فساد وجود دارد. سالم‌ترین کمرگ‌های دنیا جایی هستند که تعرفه‌ها در حد یک درصد و دو درصد یا حداکثر چهار درصد است زیرا مطلقی ندارد که برای چهار درصد کسی دنبال فساد برود و وقت کالا به آنها ارائه است. جاهایی مثل دوبی، سنگاپور، فوکر، هنک‌کنگ و امثال این کشورها سالم‌ترین کمرگ‌ها را دارند و الان در دنیا معدود وارددننده حرفه‌ای و باسابقه است که تعرفه‌های کمرگی آنها خیلی دورقمی است. ما جزء بالاترین‌های دنیا از نظر تعرفه هستیم. بعد از اتفاقات یک سال گذشته، مجددا به رتبه یک دنیا بازگشتیم. فقط به رتبه نهم یا هفتم دنیا نزول کرده بودیم ولی الان احتمالا رتبه یک هستیم. آمار جدیدی ندارم اما به ظن قوی به یقین می‌توانم این را بگویم. همین زمینه زنبانه‌بازی میان فساد است. هرچه متوسط تعرفه کمرگی بالاتر و موضوعیت از متوسط درجه فساد‌پذیری بیشتر باشد، امکان تبادلات فساد‌آمیز بیشتر می‌شود. ما کشوری با کلکسیونی از ممنوعیت‌ها هستیم. از ممنوعیت به‌دلیل محدودیت ارز تا ممنوعیت به‌دلیل حمایت از تولید داخل یا ممنوعیت به‌دلیل مسائل قانونی و چیزهای دیگر. ما کشوری هستیم که ورود مشروبات الکلی به آن ممنوع است اما متأسفانه می‌گویند در ایران می‌توانید ارزانتر از خیلی از کشورها، این کالا را تهیه کنید. ورود مواد مخدر ممنوع است. بسیار پرخورد پلیسی با آن می‌شود اما شاید جزء ارزانترین کشورهایی باشیم که مواد مخدر در آن تهیه می‌شود. هر کالایی که ممنوعیت از سد دلیل اینکه تقاضا برای آن وجود دارد، این کالا وارد می‌شود و موقعی که در مرزهای واردات‌گشوری ارتباطات فساداتیگز مستقر شد، واردات هرکالایی هیچ کاری نمی‌کند. متأسفانه در کشور ما قاچاق یک فساد کامل سازمان‌یافته و تنظیم‌شده است. در جلسات کمرگ و بعدها در جلسات اتاق طی‌کفته که قاچاقچی‌ها حراج می‌کنند به سامانه کالا و می‌گویند کالای شما را تضمینی می‌گوییم و هیچ پولی هم نمی‌گوییم تا موقعی که به انبار شما برسد. این کار از واردات قانونی به‌مراتب راحت‌تر است. اینها وارددننده‌های واردات قانونی باید مجوز بگیرد. مالیات بدهد. در گمرک کلی کالا معطل شود و وارد کانال سبز و قرمز شود تا بعد نوبتش بشود. در زمان ترخیص کالا با ماشین گیر وارددننده بیاید به انها. اما در روش قاچاق شما هیچ دغدغه‌ای ندارید. فقط بگویید کالا را می‌آورند و در انبار می‌گذارند و بعدا پولش را می‌گیرند.

■ صدور بخشنامه‌های متعدد در وزارت صمت در زمینه ممنوعیت صادراتی و وارداتی چه بلایی بر سر تعاملات فساد‌آمیز و بروز فساد در بخش‌های مختلف می‌آورد؟

دقیقا همان باسخ‌ی را که در سؤال قبل دادم، باید تکرار کنم. هر کدام از این ممنوعیت‌ها دور زده می‌شود.

■ یعنی قاچاقچی‌ها را خلاق‌تر می‌کند؟

حتما خلاق‌تر می‌کند. یک مقداری هزینه‌ها را بیشتر می‌کند مثلا زمانی که تعرفه کالایی ۴۰ درصد بود، قاچاقچی‌ها آن کالا را ۱۰ یا ۱۵ درصد ارزش کالا می‌آوردند حالا وقتی واردات آن کالا ممنوع شده است احتمالا به ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزش کالا آن را وارد می‌کنند.

■ یعنی این مسئله روی قیمت‌های بازار داخل اثر می‌گذارد؟ به هر حال کالا کارتر نور وارد می‌شود و کران‌تر فروخته خواهد شد؟

کالاها کارتر از قبل از ممنوعیت به فروش خواهند رسید.

■ به این ترتیب این اتفاق نورم‌زا است؟

کالای قاچاق در سبد خود بانکی برای تعیین نرخ تورم نیست. اما اگر بحث تورم واقعی باشد، بله روی تورم اثر می‌گذارد؛ اگر روی تورم آماری بخواهید صحبت کنید، خیر زیرا کل کالاها در سبد احصای مرکز آمار بانک مرکزی نیستند و در پایش این مجموعه مورد توجه قرار نمی‌گیرد. البته مردم این افزایش قیمت را احساس می‌کنند. مثلا واردات موبایل‌های استوایی در بازار ممنوع است، اما شما در بازار این محصولات را باب می‌کنید